

رابطه بین اعتقادات دینی و آسیب پذیری فرهنگی خانواده در شهر زنجان

جمشید خویینی^۱ و دکتر احمد بخارایی^۲

چکیده

امروزه فروپاشی مرزهای اطلاعاتی، شتاب تحولات و پیشرفت فن آوری، تأثیرات عمیق و شگرفی بر جنبه‌های مختلف زندگی افراد برجا گذاشته است. همگام با این تحولات، ارزش‌ها و کارکردهای خانواده نیز دچار دگرگونی‌هایی شده است. بنابراین این تحقیق با هدف تاثیر اعتقادات دینی بر آسیب پذیری فرهنگی خانواده در شهر زنجان انجام شده است. روش تحقیق کمی و از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران ۳۸۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. افراد مورد نظر به شیوه نمونه گیری طبقه ای و در مرحله بعد تصادفی انتخاب شدند. یافته های تحقیق نشان داد که ابعاد مختلف باورهای دینی یعنی بعد اعتقادی، عاطفی، پیامدی و مناسکی با ابعاد مختلف آسیب های فرهنگی خانواده یعنی نظارت و کنترل خانواده، انحرافات اخلاقی، گرایش به فرهنگ غرب، استفاده از ماهواره و فضای عمومی خانواده رابطه معنی داری داشته اند. تحلیل رگرسیون چند متغیره هم نشان داد که متغیرهای بعد اعتقادی دینداری، بعد عاطفی، بعد پیامدی و بعد مناسکی دینداری تاثیر معنی داری بر کاهش آسیب پذیری فرهنگی خانواده داشته اند. این چهار متغیر با همدیگر ۴۲ درصد از تغییرات آسیب پذیری فرهنگی خانواده ها را تبیین می کنند.

واژگان کلیدی: باورها دینی، آسیب پذیری فرهنگی خانواده، انحرافات اخلاقی و گرایش به فرهنگ غرب

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱-کارشناسی ارشد جامعه شناسی و دبیر آموزش و پرورش زنجان، نویسنده مسؤل ایمیل khoenij@gmail.com

^۲-استاد یار جامعه شناسی دانشگاه پیام نور تهران غرب

مقدمه و بیان مساله

خانواده به عنوان بنیادی ترین و مهم ترین نهاد اجتماعی و انسانی، در شکل‌گیری و تکمیل هویت افراد و جامعه نقش به‌سزایی دارد و در طول تاریخ، ارزش و جایگاه بالایی در تربیت و رشد افراد جامعه داشته است.

خانواده یکی از بنیانی ترین نهادهای اجتماعی است و به لحاظ نقشی که در تداوم جامعه ایفا می‌کند، یکی از موضوعات مهم نزد متفکران تاریخی و اجتماعی است. نهاد خانواده در طیف نگاه محافظه کارانه و مبتنی بر سنت، جایگاه ویژه‌ای در حفظ سنتهای پیشین و تداوم آن در دوران جدید دارد و افزون بر آن نقش و کارکردهای اساسی بازسازی و قوام بخشی جامعه که برگرده خانواده گذاشته شده است حائز اهمیت و نقش جدی است. نقش و خانواده در حفظ نظم و تعادل نظام اجتماعی، جایگاه آن را مهم و حساس می‌کند. با توجه به اینکه ارزش‌های مذهبی از جامع‌ترین ارزش‌ها بوده و عالی‌ترین وحدت و یکپارچگی خویشتن در اخلاق مذهبی یافت می‌شود، فقدان چنین اصل ناب و وحدت بخشی، فرد را به‌سوی انواع ازهم پاشیدگی شخصیت سوق می‌دهد و این ازهم پاشیدگی در هنگام رویارویی با جهان مملو از تنوعات نامحدود و همین‌طور در حرکت درونی روان و ذهن انسان نمایان است. شواهد حاکی از افزایش آشفتگیهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی است. اگر با نگاهی واقع بینانه به این آشفتگی‌ها بنگریم، ناگزیر از آنیم که به ساختار و وضعیت خانواده، به معنای خشت اولیه و زیربنای جامعه و فرهنگ امروزی پردازیم. زیرا به خوبی می‌بینیم که همه‌ی درهم ریختگی‌ها از خانواده، از محلی که هر فرد در آن پرورش می‌یابد و آموخته‌هایش را به مناسبات و روابط اجتماعی منتقل می‌کند، ریشه می‌گیرد. در واقع انسان حاصل عادتواره‌هایش است که در میدان‌های مختلف زندگی کسب می‌کند.

یکی از نهادهای مهم اجتماعی که به لحاظ اهمیت، نقش و کارکردهای مختلف مورد توجه علمای مذهبی، اخلاقی و صاحب نظران تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی قرار گرفته، نهاد خانواده می‌باشد. عملکرد خانواده یعنی توانایی خانواده در هماهنگی با تغییرات ایجاد شده در طول حیات، حل تضادها و تعارضات، همبستگی بین اعضاء و موفقیت در الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل سیستم خانواده می‌باشد. توجه به مذهب یک رویکرد جدید نیست بلکه امری است که سالیان

دراز توجه دانشمندان مختلف را چه تجزیه و تحلیل دلایل رد آوری به مذهب و چه در جهت و نحوه تأثیر آن بر رفتار بخود جلب کرده است. وجود باورهای مذهبی تأثیر به سزائی در استحکام خانواده دارد. ایمان به خدا موجب می‌شود نگرش فرد به کل هستی هدفدار و دارای معنی باشد. عدم ایمان به خدا موجب می‌شود فرد انسجام و آرامش نداشته باشد و همین امر موجب ضعف و منشاء اختلافهای بسیاری در زندگی خانوادگی می‌شود (سالاری فر، ۱۳۷۹). نگرش مذهبی می‌تواند در ارتباط زناشویی موثر باشد، زیرا مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه دهنده سامانه باورها و ارزش‌هاست که این ویژگی می‌تواند زندگی زناشویی را متاثر سازد. از سوی دیگر نگرش‌های افراد خانواده در مورد مذهب، استمرار و انتقال ارزش‌ها و رفتارهای مذهبی به نسل‌های دیگر را شکل می‌دهد. از اینرو رابطه مذهب و خانواده را می‌توان یک رابطه اثرگذار و اثرپذیر در نظر گرفت (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۶). آدمی با اتکا به خداوند بزرگ روحی مطمئن و آرام دارد و در مقابل پیش آمدهای زندگی خود را نمی‌بازد و شخصیت معنوی خویش را از دست نمی‌دهد و هرگز از انجام وظایف خویش شانه خالی نمی‌کند و از تمام لذات زندگی بطور مشروع و بقدر مصحلت برخوردار است و در خویش احساس امنیت می‌کند. محیط خانواده و رفتار والدین تعیین‌کننده‌های مهمی برای ارزش‌های مذهبی جوانان خواهند بود. مطالعات قبلی به رابطه بین نگرش مذهبی با افسردگی، سلامت روانی، رضایت زناشویی، اقدام به خودکشی، مرگ و میر و اشاره داشته‌اند (به نقل از توان و همکاران، ۱۳۸۹). روان‌شناسان در تحقیقات متعدد خود به این نتیجه رسیده‌اند که خانواده مطلوب و ایده آل، خانواده‌ای است که امنیت عاطفی، احساس ارزشمندی، باور تعلق و مورد عشق و علاقه بودن را به وسیله ارتباط با شخص تأمین کند. در این خانواده‌ها، افراد فرصت بیشتری برای نیل به استقلال و مسئولیت‌پذیری خواهند داشت و فرزندان، سازگاری هیجانی مناسب تری دارند به دنبال آن، تعارضات پدر و فرزند به شکل پرخاشگری فیزیکی و کلامی، یا وجود ندارد یا از طریق راهکار استدلال، حل شده و سازنده بوده و موجب خلاقیت می‌گردد (نوابی نژاد، ۱۳۷۷). اعتقادات دینی و مذهب به انسان آرامش می‌دهد، امنیت فرد را تضمین می‌کند، خلأهای اخلاقی، عاطفی و معنوی را در فرد و اجتماعات استحکام داده و پایگاه محکمی برای انسان در برابر مشکلات و محرومیت‌های زندگی ایجاد می‌کند (اسدی نوقانی و دیگران، ۱۳۸۴). افزایش میزان طلاق در جامعه کنونی ایران، ضرورت بررسی عوامل موثر بر سازگاری و عملکرد خانواده‌ها را آشکار می‌نماید. یکی از این

عوامل نگرش دینی است که می‌تواند روابط، تصمیم‌گیری، تعهد و ابعاد فرزند پروری زوجین را متأثر سازد و سبب ارتقاء عملکرد خانواده و استحکام بنیان خانواده‌ها گردد. شکی نیست که خانواده امروز ایرانی با خانواده متعادلی که باید سنگ بنای یک جامعه سالم باشد، فاصله زیادی دارد. این خانواده، از یک سو هنوز گرفتار بعضی سنت‌های غلط گذشته مانند بی‌عدالتی و ظلم به زنان بوده و از سوی دیگر آموزه‌های مدرن مانند انکار تفاوت‌های جنسیتی، اختلاط نقش‌ها، فردگرایی و اصالت لذت‌های دنیایی، سلامت، ثبات و حتی کیان خانواده را به خطر انداخته و آسیب‌های جدی اجتماعی به وجود آورده است، در حالیکه این موضوع چنان که بایسته است، به دغدغه اصلی اندیشمندان و مسئولان جامعه تبدیل نشده است؛ لذا آسیب‌شناسی این نهاد باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد. بحث آسیب‌زمانی برای یک نهاد مطرح می‌شود که نتواند کارکردهای مورد انتظار را محقق کند یا در آستانه انحلال قرار گیرد، لذا اهمیت شناخت و بررسی عواملی که سبب قوام و استحکام این نهاد اجتماعی می‌گردند، می‌تواند گام مفیدی در راستای ارتقای سطح فرهنگ جامعه باشد. بدین منظور و با توجه به اهمیت نگرش دینی بر عملکرد خانواده‌ها بررسی رابطه بین این دو متغیر یعنی نگرش دینی و آسیب‌پذیری فرهنگی خانواد یک معضل اساسی می‌باشد که انجام آن ضروری به نظر می‌رسد. یکی از بزرگ‌ترین مسائل اجتماعی که جوامع امروزی به آن مبتلا هستند، ضعف بنیاد خانواده است. از آنجایی که مشکلات خانواده‌ها به صورت ناهنجاری‌های اجتماعی بروز می‌کند، خانواده و سلامت آن از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار هستند. آماده کردن فرزندان برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی یکی از وظایف مهم و اساسی خانواده‌ها به شمار می‌رود. جوانان باید بتوانند به‌ویژه برای زندگی مشترک آماده شوند و سعی نمایند روابط خود را با پیرامونشان در حد متعارف و قابل‌قبولی تنظیم نمایند.

در طول قرون، آدمی همواره جویای کشف هویت خویش بوده و از موقع و جایگاه خود در این عالم پرس و جو کرده است. این پرسش هویت خویش بوده و از موقع و جایگاه خود در این عالم پرس و جو کرده است. این پرسش و پاسخ به آن، هم‌لازمه خودشناسی و هم تعیین‌کننده کیفیت مشی و سیرسلوک وی در این عالم است. اندیشمندان، فلاسفه و متفکران همواره به پرسش از هویت آدمی، نسبت او با خداوند و سایر انسان‌ها پرداخته‌اند. دین، پدیده‌ای است همزاد آدمی. انسان در تعاریف دین‌شناسی، موجودی دینی تعریف شده است. از این رو جا دارد که به مطالعه ویژگی‌ها، اوصاف و خصایص این موجود بنابر تعریف دین‌شناسان دیندار پرداخته شود (گلزاری،

۱۳۸۹). بیشتر ادیان جهان (با آنکه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند) پیروان خود را به فعالیت‌های مثبت فرا می‌خوانند. مذهب، یکی از عوامل تأثیرگذار بر رفتار و خشونت به شمار می‌رود. بسیاری از جنبه‌های مذهب بر امید، خوش‌بینی، همدلی، پیوندجویی، عفو و بخشش تأکید دارند. از سوی دیگر، پرهیز از تجاوز و رفتارهای ضداجتماعی مانند فساد، خودفروشی و دزدی، پیوسته در مذاهب سفارش شده است. هر دو جنبه مذهب، پرداختن به فعالیت‌های مثبت و دوری از فعالیت‌های منفی، باعث پدید آمدن احساس ارزش مثبت در پیروان ادیان می‌شود (اسکامن، ۲۰۰۲). مذهب به عنوان یک میانجی بر فرایند فکری و ارزیابی رویدادهای روزمره زندگی فرد تأثیر می‌گذارد. بدین ترتیب، حتی بسیاری از رویدادهای به ظاهر منفی، مثبت و معنادار ارزیابی می‌شوند و فرد از آنها احساس مثبت خواهد داشت. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که به کمک ایمان، برخورد با هیجان‌ها و شرایط اجتماعی، آسان‌تر می‌شود (دینر، لوکاس و اویشی، ۲۰۰۲).

یکی از آسیب‌های فن‌آوری مدرن، آسیب‌های فرهنگی است که در حوزه‌های مختلف، زندگی انسان را تهدید می‌کند و آداب و رسوم، عقاید و سنت‌های ملی و بومی را دچار چالش می‌سازد. فن‌آوری مدرن که پی‌آمد مدرنیته غرب است و فرهنگ و ارزش‌های غربی را در خود دارد، با ورود به خانواده‌های ایرانی، فرهنگ حاکم بر خانواده‌ها را دگرگون، و کارکردهای خانواده را دچار تعارض و دوگانگی می‌سازد. مهم‌ترین ارزش‌ها و کارکردهای خانواده که با ورود فن‌آوری مدرن، دچار چالش و تعارض می‌شوند عبارتند از: ۱- جای‌گزینی ارزش‌های دینی خانواده‌ها با فرهنگ و ارزش‌های غربی: در فرهنگ مدرن، ارزش‌های معنوی و دینی، دگرگون و ارزش‌های مدرن جای‌گزین آنها می‌شود. پی‌آمد این دگرگونی، غیراخلاقی و غیردینی شدن جوامع است. بی‌اعتباری تدریجی هنجارها، اصول اخلاقی و اعتقادات مذهبی، با سقوط خانواده و کم‌ارزش شدن آن همراه است (مولانا، ۱۳۸۰: ۲۱۵). با ورود فن‌آوری مدرن، خانواده‌ها تحت تأثیر ارزش‌های آن قرار می‌گیرند؛ فضای امن و صمیمی خانواده با نادیده گرفتن ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای دینی و اخلاقی، از بین می‌رود و کانون ثبات و آرامش گذشته، به فضای پر اضطراب و بی‌ثبات و نامناسب برای رشد و تربیت اخلاقی و دینی فرزندان تبدیل می‌شود.

۲- فردگرایی در خانواده: یکی از ارزش‌های فرهنگ مدرن، فردگرایی است که از جنبه‌های گوناگون، زندگی اجتماعی بشر را تحت تأثیر قرار داده است. پی‌آمد فردگرایی، احساس

بی‌معنایی و کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی است. توجه و تمرکز بر فرد و تمایلات او در فرهنگ مدرنیته، او را از زندگی گروهی و خانوادگی دور می‌گرداند و خودبینی ایجاد می‌کند (گیوی، ۱۳۸۱). ۳- ترویج مادی‌گرایی و کم‌رنگ شدن معنویت در خانواده: گرایش به رفاه افراطی، از پی آمده‌های فن‌آوری مدرن و فرهنگ مدرنیته است که کانون خانواده را از عواطف و احساسات معنوی دور کرده و به دل‌مشغولی‌های مادی و دنیوی سرگرم ساخته است. زمانی که ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورهای حاکم بر روابط افراد خانواده بر اساس گرایش‌های مادی باشد، لذت‌طلبی و سودطلبی، روابط انسانی را از معنویت تهی می‌کند. تغییر ارزش‌های معنوی و اعتقادی، سبب تغییر نگرش خانواده‌ها و فرزندان آنها به مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌گردد و ارزش‌های اصیل اسلامی انسانی نادیده گرفته می‌شود. در چنین وضعیتی، خانواده دیگر کانون پرورش احساسات و عواطف معنوی و انسانی نیست و انحصار خود را در برآوردن نیازهای جنسی و عاطفی از دست می‌دهد. در نتیجه، تعهد و مسئولیت‌پذیری اعضا در مقابل خانواده سست می‌شود و آنها را برای برآوردن نیازهای خود، به فضای بیرون از خانواده هدایت می‌کند (نصری، ۱۳۸۷). ۴- مصرف‌گرایی افراطی در خانواده‌ها: فن‌آوری مدرن رسانه‌ای از طریق گسترش شبکه زندگی مدرن با ظاهر زیبا و فریبنده‌اش، و رواج مصرف‌بی‌رویه در خانواده و ترغیب به خرید و مصرف کاذب کالاها، سلامت روحی و روانی افراد را با توجه به نیاز رو به رشد، تهدید می‌کند؛ زیرا با مصرف‌گرایی افراطی، مشکلات مالی گریبانگیر خانواده می‌شود و خانواده را به کار و اشتغال تمام‌وقت مجبور می‌سازد. در چنین خانواده‌هایی، درآمد یک نفر، پاسخ‌گوی این نیازهای کاذب نیست (پاستر، ۱۳۷۸).

۵- بحران هویت در خانواده: در عصر حاضر، بحران هویت خانواده، در گذر از زندگی سنتی به مدرن، دامنگیر جوامع بشری شده است. پاستر، از نظریه‌پردازان پست‌مدرنیسم، آثار فن‌آوری‌های جدید و رسانه‌ها را اجتماع و فرهنگ، بررسی کرده و در اثر خود به نام عصر دوم رسانه‌ها نوشته است: «آنچه در نوآوری‌های فنی مربوط به عصر دوم رسانه‌ها، یعنی عصر اینترنت، پست الکترونیکی و ماهواره مهم است، دگرگونی گسترده فرهنگ، هویت فرهنگی و روش جدید ساخته شدن هویت‌هاست». (پاستر، ۱۳۷۸).

به عقیده دورکیم دین عامل همبستگی و ثبات اجتماعی و پایداری جامعه و مظهر قدرت جامعه است و نقش مثبت دین در حل و فصل مشکلات اجتماعی، در ایجاد یگانگی و در معنویت که در

جامعه به وجود می‌آید نیز سخت اهمیت دارد. به علاوه دین موجب ثبات، استمرار و پایداری جامعه می‌شود. وی برای دین چند عملکرد قائل است: ۱- وحدت بخشیدن: دین اجزای جامعه را به یکدیگر متصل می‌کند و آن را به عنصری واحد بدل و سمبل‌های اساسی وحدت را فراهم می‌کند. به نظر وی، ریشه‌های تفکر و فرهنگ و حتی سازمان یافتن ذهن انسانی، مستقیماً وابسته به اعمال دینی اوست. ۲- احیا و تقویت قوا: مؤمنی که با خدا راز و نیاز می‌کند، نه تنها انسانی است که به حقایق جدیدی دست می‌یابد، بلکه انسانی است که خود را قدرتمند احساس می‌کند. او در درون خود نیروی بیشتری احساس می‌کند و توانایی بیشتری در غلبه بر سختی‌ها و مشکلات دارد. ۳- عملکرد تسکینی دین: منظور همان آرامشی است که انسانها با توسل به دین در رابطه با اجتماع خود کسب می‌کنند. به نظر دورکیم، عملکرد تسکینی، به ویژه در ایام نومیدی و اغتشاش اجتماعی، دارای اهمیت بسیار زیادی است و به همین خاطر، ما در بین افراد دیندار، کمتر جرم و جنایت، خودکشی، بزهکاری و... را می‌بینیم؛ چرا که هر چه انسان متدینتر باشد، پرهیزکارتر می‌شود (میرسنده‌سی، ۱۳۸۳).

پیشینه تحقیق

حبیب زاده (۱۳۸۴) پژوهشی تحت عنوان بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان انجام داده است. نتایج نشان داد که میزان پابندی دانشجویان به ابعاد مختلف دینداری از واریانس قابل توجهی برخوردار است. به طوری که، پاسخگویان در ابعاد اعتقادات دینی، اخلاق و تکالیف فردی بیشترین نمره و در عبادات جمعی و فردی و دانش دینی کمترین نمره را اخذ کردند. محمد صادق (۱۳۷۹) پژوهشی را تحت عنوان سنجش دینداری جوانان و عوامل مؤثر بر آن انجام داده است. یافته‌های پژوهش نشان داد اگر چه در میان وسایل ارتباط جمعی، تنها ماهواره و اینترنت اثر معنی داری بر دینداری داشته‌اند. خانواده بیشترین تأثیر را بر دینداری جوانان نشان داده و بعد از آن، مدرسه، عام‌گرایی و روحانیت، مهمترین متغیرها در این رابطه محسوب شده‌اند. احمدی (۱۳۸۸) در یک پژوهش پیمایشی به بررسی وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها پرداخته است. یافته‌های پژوهش وی نشان داد که تفاوت معنی داری بین دو نسل در ابعاد مناسکی و پیامدی دینداری و نگرش به آینده دین وجود دارد. البته، تفاوت معنی داری میان دو نسل در متغیرهای بعد اعتقادی و تلقی از مذهبی بودن افراد در آینده وجود ندارد. در زمینه نگرش به آینده مذهب، تلقی نسل بزرگسال منفی‌تر از نسل جوان بوده است. پوریانی (۱۳۸۸) در یک

بررسی فراتحلیلی مطالعات انجام شده در حوزه دین و ارزش‌های اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل از این پژوهش حکمی از این است که؛ امروزه آدمی را انسان دین ورز می‌نامند و دین در جامعه ایران حضور و نقش فعال و پررنگی دارد و ارزش‌های دینی یکی از عناصر کلیدی در نظام فرهنگی جامعه محسوب می‌شود و شناخت آن نقش بسیار مهمی در شناخت نظام فرهنگی دارد. از نتایج دیگر این پژوهش این است که در صورت تطابق و سازگاری و همزیستی بین ارزش‌های دینی و ارزش‌های اجتماعی، زمینه همگرایی و همنوایی به وجود می‌آید و فرآیند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری به نحو مطلوب انجام می‌گیرد. در صورت عدم تطابق بین این دو میزان آسیب‌ها، جرائم و مسائل اجتماعی در جامعه افزایش می‌یابد و به طرف واگرایی می‌رود. خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهش خود بر روی ۱۵۶ دانشجوی متاهل جهت بررسی رابطه نگرش مذهبی با رضایت مندی زناشویی در دانشجویان متاهل دریافتند از میان مولفه‌های دینداری، گرایش و عواطف دینی بیشترین رابطه را با رضایت زناشویی دارد. دینداری و وجود مفاهیم مشترک دینی بین زوجین به عنوان تسهیل‌کننده، ایجادکننده تفاهم و حل تعارض‌ها در روابط درون خانوادگی عمل می‌نماید. پژوهش احمدی در سال ۸۶ نشان داد بین اعتقادات دینی و تقیدات مذهبی با آسیب‌پذیری کلی خانواده رابطه همبستگی منفی وجود دارد و کسانی که نگرش مثبتی نسبت به مسائل دینی داشته، پایبندی عملی به مسائل مذهبی دارند، دارای سلامت خانوادگی بیشتری می‌باشند، نسبت به آسیب‌های فرهنگی مقاومند، سازگاری زناشویی بالایی دارند و از زندگی خانوادگی راضی‌ترند. در این پژوهش تقیدات مذهبی یا به عبارتی پایبندی عملی به قوانین شرعی و مذهبی بیش از نگرش دینی با آسیب‌پذیری فرهنگی ارتباط دارد. حیدری مطالعه‌ای را با هدف بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و رضامندی از زندگی زناشویی بر روی ۵۰ نفر از معلمان مرد شهر قم و همسرانشان انجام داد و به این نتیجه رسید که بین جهت‌گیری مذهبی و رضامندی از زندگی زناشویی آزمودنیها رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. به علاوه، نتیجه این تحقیق نشان داد که از بین متغیرهای متعدد (نظیر سن، تحصیلات و جهت‌گیری مذهبی) در مردان، تنها جهت‌گیری مذهبی رضامندی زناشویی را در سطح معنی‌دار تبیین می‌کند. هادیان فرد (۱۳۸۴) نشان داد که اقامه نمازهای واجب، پیش‌بینی‌کننده نیرومندی برای احساس ذهنی بهزیستی است. همچنین انتخاب دوست مذهبی، انتخاب همسر مذهبی، پرداخت وجوهات شرعی، تشویق دیگران به مذهبی بودن و بررسی درباره دین، پیش‌بینی‌کننده‌های خوبی برای احساس ذهنی

بهبودی است. همچنین در پژوهش‌های مختلفی نشان داده شده است که از آموزش‌ها و برنامه‌های مذهبی می‌توان به بهترین شکل به عنوان وسیله‌ای برای پیشگیری از بروز اختلال‌های روانی استفاده کرد. سبک زندگی مذهبی به خوبی می‌تواند آرامش فردی، اجتماعی و خانوادگی بسیاری همراه داشته باشد (علیچانی، ۱۳۸۵). دیدوکا و ژوزف (۱۹۹۹) در بررسی خود در مورد دختران و پسران نوجوان به این نتیجه رسیدند که نوجوانان مذهبی از گروه‌های غیرمذهبی هم سن و سال خود، کمتر عصبی هستند و قدرت سازگاری بالاتری دارند. کوئینگ و همکارانش (۱۹۹۲) در نتیجه تحقیقات خود بیان می‌کنند که دین، اثر مفید و مطلوبی در از بین بردن فساد و کاهش مرگ و میر دارد و افرادی که در امور مذهبی شرکت می‌کنند، از نظر روحی و جسمی سالم‌تر از افرادی‌اند که اعتقادات مذهبی ندارند.

از دیدگاه علامه طباطبایی، دین روش مخصوصی در زندگی است که صلاح دنیا را به طوری که موافق کمال اخروی و حیات دائمی باشد، تأمین می‌کند. دین چیزی نیست جز سنت حیات و راه و روشی که بر انسان واجب است آن را پیشه کند تا سعادت‌مند شود. پس هیچ انسانی، هیچ هدف و غایتی ندارد مگر سعادت و تمامی انواع مخلوقات به سوی سعادت خود و هدفی که ایده‌آل آنهاست، به صورت فطری هدایت شده‌اند (علامه طباطبایی، ۱۳۶۲). به عبارت دیگر؛ این مجموعه قواعد اعتقادی، فقهی و حقوقی است که خداوند به منظور اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها در اختیار بشر قرار داده است (جوادی آملی، ۱۳۸۰). رابطه آدمی و دین و نسبتی که با آن پیدا می‌کند، دو مقوله هویت دینی قابل تبیین و توضیح است. بدیهی است یکی از پیامدهای تکوین هویت دینی، احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورهای آن مکتب است. هویت دینی توانایی آن را دارد که فلسفه ارضاکننده حیاتی برای بشر، تنظیم، تدوین و ارایه کند (شرفی، ۱۳۸۰).

دین به عنوان سامانه‌ای وسیع که متشکل از برنامه‌های زیادی برای هدایت بشر است، عناصری از خودکنترلی را نیز شامل می‌شود؛ زیرا راهنمایی‌ها و قواعد خاص اخلاقی به منظور کنترل نفس و امتناع از برخی رفتارها را در اختیار فرد قرار می‌دهد (اسمیت، ۲۰۰۳). خودکنترلی و دینداری ممکن است با یکدیگر تعامل نیز داشته باشند؛ زیرا اثر دینداری در پیشگیری از رفتارهای خلاف مقررات و رسوم اجتماعی ممکن است در افراد دارای سطوح مختلف خودکنترلی، متفاوت باشد (راچلین، ۱۹۹۵). بنابراین می‌توان فرضیه‌های تحقیق را به صورت زیر بیان نمود:

- ۱- بین بعد اعتقادی دینداری و آسیب پذیری خانواده رابطه وجود دارد.
- ۲- بین بعد مناسکی دینداری و آسیب پذیری خانواده رابطه وجود دارد.
- ۳- بین بعد پیامدی دینداری و آسیب پذیری خانواده رابطه وجود دارد.
- ۴- بین بعد عاطفی دینداری و آسیب پذیری خانواده رابطه وجود دارد.
- ۵- بین متغیرهای زمینه‌ای و آسیب پذیری فرهنگی خانواده رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

نظر به ماهیت پژوهش و جامعه آماری، در این پژوهش از روش پیمایشی مقطعی استفاده شده است. جامعه آماری عبارت است از کلیه خانواده‌های شهر زنجان می‌باشند که در هنگام این تحقیق در این شهر ساکن هستند. تعداد خانواده‌های شهر زنجان برابر آمارگیری سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران حدود ۳۰۰۰۰ خانواده می‌باشد. حجم نمونه تحقیق بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران ۳۸۰ نفر برآورد شده است. در این تحقیق برای انتخاب نمونه به شیوه زیر عمل کردیم: ابتدا شهر زنجان را به مناطق شهرداری طبقه‌بندی نموده و در مرحله بعد در هر منطقه جغرافیایی چند محله و در هر محله چند خیابان و کوچه را به صورت تصادفی انتخاب می‌کنیم. در مرحله بعد در هر کوچه یا خیابان به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده به درب منازل افراد مراجعه نموده و افراد مورد نظر تحقیق را انتخاب و پس از توضیحات لازم از آنها خواسته شد تا پرسشنامه تحقیق را تکمیل کنند.

تعریف عملیاتی متغیرها:

باورهای دینی: برای سنجش باورهای دینی از پرسشنامه گلاک و استارک که برای سنجیدن نگرش‌ها و باورهای دینی و دینداری ساخته شده است، استفاده شده است. این پرسشنامه توسط گلاک و استارک در سال ۱۹۶۵ ساخته شده است. برای استاندارد کردن در کشورهای مختلف اروپا، آمریکا، آفریقا و آسیا و بر روی پیروان ادیان مسیحیت، یهودیت و اسلام اجرا گردیده و با دین اسلام هم انطباق یافته است (سراج زاده، ۱۳۷۴). این مقیاس چهار بعد اعتقادی، عاطفی، پیامدی و مناسکی را اندازه‌گیری می‌کند. روایی کل آزمون در ایران ۰/۸۳ اندازه‌گیری شده است (سراج زاده، ۱۳۷۴).

آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده: برای سنجش آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. با استفاده از منابع و پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، برای

آسیب پذیری خانواده ابعاد میزان نظارت و کنترل خانواده، انحرافات اخلاقی، گرایش به فرهنگ غرب، استفاده از ماهواره و فضای عمومی خانواده خانواده در نظر گرفته شده است. در بعد نظارت و کنترل خانواده ها معرف هایی مانند کاهش نظارت والدین بر رفتار فرزندان، بی خبر بودن والدین از کارهای فرزندان، نشناختن دوستان فرزندان، بی اطلاعی از فرزندان بکار گرفته شده اند. برای بعد انحرافات اخلاقی از معرف های حساسیت نشان دادن به روابط فرزندان با جنس مخالف، بی توجهی به حجاب، کم رنگ شدن ارزش های معنوی و زیاد شدن روابط پنهانی زوجین استفاده شده است. برای بعد گرایش به فرهنگ غرب از معرف هایی مانند ترجیح فرهنگ غربی بر فرهنگ ایرانی، سرمشق قرار دادن غرب، گرایش به ارزش های غربی، تمایل به زندگی در غرب، دست و پاگیر دانستن فرهنگ ایران و محدود بودن فرد در فرهنگ ایرانی استفاده شده است. در بعد استفاده از فیلم و برنامه های ماهواره ای معرف های نگاه کردن به ماهواره و شبکه های فارسی زبان، عدم علاقه به برنامه های تلویزیون ایران، علاقه به فیلم های سینمایی خارجی و خسته کننده و تکراری دانستن برنامه های تلویزیون ایران بکار رفته است. در بعد فضای خانواده از معرف هایی چون کاهش صمیمیت در خانواده ها، کم بودن ارتباطات درون خانواده، سرگرم شدن به شبکه های مجازی، کم رنگ شدن احترام در خانواده ها و عدم حرف شنوی فرزندان از والدین بکار رفته اند.

یافته های تحقیق

حدود ۵۳ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۷ درصد هم مرد بوده اند. میانگین سنی آنها ۳۵/۴ سال بوده است. جوان ترین و مسن ترین آنها به ترتیب ۲۲ سال و ۵۳ سال بوده است. میانگین سطح تحصیلات پاسخگویان ۱۳/۲ کلاس بوده است.

برای آزمون فرضیه های تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. همچنان که در جدول زیر آمده است ضریب همبستگی بین بعد اعتقادی باورهای دینی و کنترل و نظارت خانواده بر رفتارهای فرزندان برابر ۰/۴۲۱ و سطح معنی داری آن نیز برابر ۰/۰۰۱ می باشد. یعنی می توان گفت هرچه بعد اعتقادی باورهای دینی زوجین بالاتر بوده، میزان نظارت و کنترل آنها بر رفتارهای فرزندان هم بیشتر شده است. رابطه بین بعد اعتقادی دین و انحرافات اخلاقی افراد در خانواده ها برابر ۰/۴۱۵- بوده است که در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار بوده است. بنابراین می توان گفت هر چه بعد اعتقادی دین قوی تر باشد، انحرافات اخلاقی افراد نیز کاهش می یابد. رابطه بین بعد اعتقادی

دین و گرایش به فرهنگ غرب برابر $0/342-$ بوده است که منفی و معنی دار می‌باشد. این نتیجه بدان معنی است که هر چه بعد اعتقادی باورهای دین زوجین قوی‌تر باشد، گرایش افراد خانواده به فرهنگ غرب و بیگانگی از فرهنگی ایرانی-اسلامی کمتر می‌شود و بالعکس. ضریب همبستگی بین بعد اعتقادی باورهای دینی پاسخگوی و استفاده اعضای خانواده از فیلم‌ها و سریال‌های شبکه‌های ماهواره‌ای برابر $0/299-$ و سطح معنی‌داری آن نیز برابر $0/001$ بوده است. بنابراین می‌توان گفت که بین بعد اعتقادی باورهای دینی و استفاده از سریال‌های ماهواره‌ای رابطه معکوس و معنی‌داری وجود داشته است. همچنین رابطه بین بعد اعتقادی باورهای دینی و فضای عمومی خانواده‌ها برابر $0/398$ و سطح معنی‌داری آن نیز برابر $0/001$ بوده است. بنابراین می‌توان گفت هر چه بعد اعتقادات دینی افراد قوی‌تر بوده، صفا و صمیمیت در بین اعضای خانواده‌ها نیز بیشتر شده و فرزندان حرف‌شنوی بیشتری از والدین خود داشته‌اند. رابطه بین اعتقادات دینی زوجین و آسیب‌پذیری کلی در خانواده برابر $0/461-$ و سطح معنی‌داری آن نیز برابر $0/001$ بوده است. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می‌توان گفت که هر چه بعد اعتقادی باورهای دینی افراد بیشتر بوده، میزان آسیب‌پذیری فرهنگی در خانواده‌ها کاهش یافته است.

بعد عاطفی باورهای دینی پاسخگویان با نظارت و کنترل خانواده‌ها بر رفتار فرزندان برابر $0/323$ و سطح معنی‌داری آن نیز $0/001$ بوده است. بنابراین می‌توان گفت بعد عاطفی باورهای دینی در افراد قوی‌تر باشد، نظارت آنها بر رفتار فرزندان هم بیشتر خواهد بود. رابطه بعد عاطفی باورهای دینی با انحرافات اخلاقی افراد خانواده برابر $0/398-$ ، با گرایش به فرهنگ غرب برابر $0/285-$ و با استفاده از سریال‌ها و فیلم‌های ماهواره‌ای برابر $0/312-$ بوده است. بنابراین می‌توان گفت که بعد عاطفی باورهای دینی می‌تواند از انحرافات اخلاقی افراد، گرایش به فرهنگ غرب و استفاده بی‌رویه از سریال‌های ماهواره‌ای جلوگیری کند. همچنین رابطه بعد عاطفی دین زوجین با فضای عمومی خانواده برابر $0/361$ و سطح معنی‌داری آن نیز برابر $0/001$ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که بعد عاطفی دین می‌تواند موجب آرامش در خانواده و ایجاد فضای عاطفی در خانواده شود. ضریب همبستگی بین بعد عاطفی دین و آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده‌ها برابر $0/486-$ و سطح معنی‌داری آن نیز برابر $0/001$ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که هر چه بعد عاطفی باورهای دینی زوجین قوی‌تر باشد، آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده‌ها کاهش خواهد یافت.

همبستگی بین بعد پیامدی باورهای دینی زوجین با نظارت و کنترل آنها بر رفتارهای فرزندان خود در خانواده برابر ۰/۴۶۱ و سطح معنی داری آن نیز برابر ۰/۰۰۱ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که بین این دو متغیر رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. رابطه این متغیر با انحرافات اخلاقی افراد در خانواده برابر ۰/۴۴۳-، با گرایش به فرهنگ غرب برابر ۰/۲۹۵- و با استفاده از ماهواره برابر ۰/۳۰۹- بوده است که هر سه رابطه در سطح یک درصد خطا معنی دار هستند. بنابراین می‌توان گفت که هر چه بعد پیامدی باورهای دینی زوجین قوی‌تر باشد، آیین آسیب‌ها در خانواده کم خواهند شد. رابطه بعد پیامدی دین با فضای عمومی خانواده برابر ۰/۳۶۲ و سطح معنی داری آن نیز برابر ۰/۰۰۱ می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت که بعد پیامدی دینداری می‌تواند صمیمیت و آرامش را در خانواده بالا ببرد. همچنین رابطه بعد پیامدی باورهای دینی با آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده برابر ۰/۴۵۳- بوده است. بنابراین می‌توان گفت که بعد پیامدی دین می‌تواند آسیب‌های فرهنگی را در خانواده‌ها کاهش دهد.

همبستگی بعد مناسکی دینداری زوجین با نظارت و کنترل آنها بر رفتار فرزندان برابر ۰/۳۸۲ و سطح معنی داری آن نیز ۰/۰۰۱ می‌باشد. پس می‌توان گفت که انجام مناسک دینی موجب می‌شود که آنها نسبت به رفتارهای فرزندان خود حساسیت بیشتری نشان دهند. رابطه بعد مناسکی دینداری با متغیر انحرافات اخلاقی افراد خانواده برابر ۰/۴۷۶-، با گرایش به فرهنگ غرب برابر ۰/۲۷۹- و استفاده از فیلم‌های و سریال‌های ماهواره‌ای برابر ۰/۳۲۴- بوده است. بنابراین می‌توان گفت که انجام مناسک دینی توسط زوجین می‌تواند این آسیب‌ها را در خانواده‌ها کاهش دهد. رابطه بعد مناسکی دینداری زوجین با فضای عمومی خانواده‌ها برابر ۰/۴۳۶ بوده است. بنابراین می‌توان گفت که انجام مناسک دینداری می‌تواند آرامش و عاطفه را در خانواده‌ها افزایش دهد. همچنین رابطه بین انجام مناسک دینی و آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده برابر ۰/۴۶۳- و سطح معنی داری آن نیز برابر ۰/۰۰۱ بوده است؛ بنابراین می‌توان گفت که انجام مناسک دینی می‌تواند آسیب‌ها فرهنگی خانواده را کاهش دهد.

ضریب همبستگی بین باورهای دینی زوجین و نظارت و کنترل آنها بر رفتار فرزندان برابر ۰/۴۷۲ و سطح معنی داری آن نیز برابر ۰/۰۰۱ بوده است. بنابراین می‌توان گفت هر چه باورهای دینی زوجین قوی‌تر باشد، نظارت آنها بر رفتار فرزندان خود بیشتر خواهد شد. رابطه باورهای دینی زوجین با متغیر انحرافات اخلاقی افراد خانواده برابر ۰/۵۰۳-، گرایش به فرهنگ غرب برابر

۷۸.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶

۰/۳۶۴- و استفاده از سریال‌ها ماهواره ای برابر ۰/۳۴۲- بوده است. بنابراین می‌توان گفت هرچه باورهای دینی زوجین قوی‌تر باشد، این آسیب‌ها در خانواده کاهش خواهند یافت. رابطه باورهای دینی زوجین با فضای عمومی خانواده برابر ۰/۴۰۲ بوده است. این نتیجه بدان معنی است که باورهای دینی می‌تواند به خانواده‌ها آرامش و صمیمیت بخشد. همچنین رابطه باورهای دینی زوجین با آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده برابر ۰/۴۹۰- و سطح معنی‌داری آن نیز برابر ۰/۰۰۱ بوده است. بنابراین می‌توان گفت که هرچه پایبندی افراد به دین و باورهای دینی بیشتر باشد، آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده‌ها کاهش خواهد یافت و بالعکس ضعیف شدن دین و باورهای دینی می‌تواند آسیب‌های فرهنگی را در خانواده‌ها بیشتر کند.

جدول شماره ۱: همبستگی باورهای دینی با آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده

اعتقادات دینی	اعتقادی	عاطفی	پایامدی	مناسکی	باورهای دینی
آسیب‌پذیری فرهنگی	ضریب همبستگی	۰/۴۲۱	۰/۳۲۳	۰/۴۶۱	۰/۴۷۲
نظارت و کنترل خانواده	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
انحرافات اخلاقی	ضریب همبستگی	-۰/۴۱۵	-۰/۳۹۸	-۰/۴۴۳	-۰/۵۰۳
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
گرایش به فرهنگ غرب	ضریب همبستگی	-۰/۳۲۴	-۰/۲۸۵	-۰/۲۹۵	-۰/۳۶۴
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
استفاده از ماهواره	ضریب همبستگی	-۰/۲۹۹	-۰/۳۱۲	-۰/۳۰۹	-۰/۳۴۲
	سطح معنی‌داری	۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
فضای عمومی خانواده	ضریب همبستگی	۰/۳۹۸	۰/۳۶۱	۰/۳۶۲	۰/۴۰۲
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
آسیب‌پذیری فرهنگی (کلی)	ضریب همبستگی	-۰/۴۶۱	-۰/۴۸۶	-۰/۴۵۳	-۰/۴۹۰
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

رگرسیون چند متغیره برای آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده

جدول زیر مدل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل را بر آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده از دیدگاه پاسخگویان شهر زنجان نشان می‌دهد. همانطور که در پایین نیز آمده است متغیرهای بعد اعتقادی دینداری، بعد عاطفی، بعد پیامدی و بعد مناسکی دینداری تأثیر معنی‌داری بر کاهش آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده داشته‌اند. این چهار متغیر با همدیگر ۴۲ درصد از تغییرات اثر بخشی عملکرد پلیس را تبیین می‌کنند.

جدول شماره ۲: میزان تبیین آسیب پذیری فرهنگی خانواده توسط متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل	ضریب تعیین چند گانه (R ^۲)	(R ^۲) تعدیل شده	سطح معنی داری
بعد اعتقادی دینداری	۰/۴۳	۰/۴۲	۰/۰۰۰
بعد عاطفی دینداری			
بعد پیامدی دینداری			
بعد مناسکی دینداری			

جدول زیر ضرایب استاندارد شده متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته یعنی آسیب پذیری فرهنگی خانواده را نشان می دهد. همانگونه که نشان داده شده است ضریب بتای بعد اعتقادی دینداری بر آسیب پذیری فرهنگی خانواده برابر ۰/۳۳۷- می باشد. یعنی می توان گفت که با کنترل سایر متغیرهای تحقیق، به ازای افزایش هر واحد انحراف معیار تغییر در بعد اعتقادی دینداری، ۳۳ درصد واحد انحراف معیار در آسیب پذیری فرهنگی خانواده کاهش بوجود می آید. ضریب بتای متغیر بعد عاطفی دینداری هم برابر ۰/۴۱۲- است که تاثیر آن نیز معنی دار است. همچنین ضریب بتای متغیر بعد پیامدی دینداری با کنترل سایر متغیرها برابر ۰/۳۵۶- است؛ یعنی به ازای هر واحد انحراف استاندارد تغییر در بعد پیامدی دینداری، مقدار ۳۵ درصد انحراف معیار در آسیب پذیری فرهنگی خانواده کاهش بوجود می آید. ضریب بتای بعد مناسکی دینداری هم برابر ۰/۳۸۹- می باشد که در سطح یک درصد خطا معنی دار است. بنابراین می توان گفت با کنترل سایر متغیرها، به ازای هر واحد انحراف معیار افزایش در بعد مناسکی دینداری، مقدار ۳۹ درصد انحراف معیار در آسیب پذیری فرهنگی خانواده کاهش بوجود می آید.

جدول شماره (۴-۵۷) ضرایب رگرسیونی آسیب پذیری فرهنگی خانواده توسط متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل	ضرایب استاندارد شده بتا	آزمون T	سطح معنی داری
بعد اعتقادی دینداری	-۰/۳۳۷	۳/۷۱	۰/۰۰۰
بعد عاطفی دینداری	-۰/۴۱۲	۵/۳۶	۰/۰۰۰
بعد پیامدی دینداری	-۰/۳۵۶	۴/۶۸	۰/۰۰۰
بعد مناسکی دینداری	-۰/۳۸۹	۴/۲۶	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه گیری

خانواده یکی از بنیانی ترین نهادهای اجتماعی است و به لحاظ نقشی که در تداوم جامعه ایفا می کند، یکی از موضوعات مهم نزد متفکران تاریخی و اجتماعی است. نهاد خانواده در طیف نگاه محافظه کارانه و مبتنی بر سنت، جایگاه ویژه ای در حفظ سنتهای پیشین و تداوم آن در دوران

جدید دارد و افزون بر آن نقش و کارکردهای اساسی بازسازی و قوام بخشی جامعه که بر گرده خانواده گذاشته شده است حائز اهمیت و نقش جدی است. نقش و خانواده در حفظ نظم و تعادل نظام اجتماعی، جایگاه آن را مهم و حساس می‌کند. با توجه به اینکه ارزش‌های مذهبی از جامع‌ترین ارزش‌ها بوده و عالی‌ترین وحدت و یکپارچگی خویشتن در اخلاق مذهبی یافت می‌شود، فقدان چنین اصل ناب و وحدت بخشی، فرد را به سوی انواع ازهم پاشیدگی شخصیت سوق می‌دهد و این ازهم پاشیدگی در هنگام رویارویی با جهان مملو از تنوعات نامحدود و همین‌طور در حرکت درونی روان و ذهن انسان نمایان است. این تحقیق با هدف رابطه اعتقادات دینی و آسیب پذیری فرهنگی خانواده انجام شده است. تحقیق به روش میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام گرفته است. نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان داد که باورهای دینی پاسخگویان و ابعاد مختلف آن یعنی بعد اعتقادی، بعد عاطفی، بعد پیامدی و بعد مناسکی دینداری با آسیب پذیری فرهنگی رابطه معکوس و معنی داری داشته‌اند. تحلیل رگرسیون چند متغیره هم نشان داد که کلیه ابعاد دینداری بر آسیب پذیری فرهنگی خانواده تاثیر معنی داری داشته‌اند. این متغیرها با هم ۴۲ درصد از تغییرات آسیب پذیری فرهنگی خانواده را پیش بینی کرده‌اند. همچنان که در بالا گفته شد باورهای دینی با آسیب پذیری فرهنگی خانواده رابطه معکوس و معنی داری داشته است. این نتیجه با یافته‌های محمد صادق (۱۳۷۹) که دریافته است بین دینداری و استفاده از ماهواره رابطه مستقیم و معنی داری وجود داشته است، پوریانی (۱۳۸۸) که دریافته است دین نقش فعال و پررنگی در زندگی افراد دارد، خدایاری فرد و همکاران که دریافته‌اند اعتقادات دینی ایجادکننده تفاهم و حل تعارض‌ها در روابط درون خانوادگی است، احمدی (۱۳۸۶) که نشان داد بین اعتقادات دینی و تقیدات مذهبی با آسیب پذیری کلی خانواده رابطه همبستگی منفی وجود دارد، هادیان فرد (۱۳۸۴) که نشان داد اقامه نمازهای واجب، پیش‌بینی‌کننده نیرومندی برای احساس ذهنی بهزیستی است، دیدو کا و ژوزف (۱۹۹۹) که به این نتیجه رسیدند نوجوانان مذهبی از گروه‌های غیرمذهبی هم سن و سال خود، کمتر عصبی هستند و قدرت سازگاری بالاتری دارند، کوئینگ و همکارانش (۱۹۹۲) در نتیجه تحقیقات خود بیان می‌کنند که دین، اثر مفید و مطلوبی در از بین بردن فساد دارد و (اسمیت، ۲۰۰۳) که دریافته است دینداری در پیشگیری از رفتارهای خلاف مقررات و رسوم اجتماعی موثر است، همخوانی دارد.

دینر و همکارانش در تبیین نتیجه بالا معتقدند که مذهب به عنوان یک میانجی بر فرایند فکری و ارزیابی رویدادهای روزمره زندگی فرد تأثیر می‌گذارد. بدین ترتیب، حتی بسیاری از رویدادهای به ظاهر منفی، مثبت و معنادار ارزیابی می‌شوند و فرد از آنها احساس مثبت خواهد داشت. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که به کمک ایمان، برخورد با هیجان‌ها و شرایط اجتماعی، آسان‌تر می‌شود (دینر، لوکاس و اویشی، ۲۰۰۲). اسدی نوقانی و همکارانش هم در این راستا می‌گویند که اعتقادات دینی و مذهب به انسان آرامش می‌دهد، امنیت فرد را تضمین می‌کند، خلأهای اخلاقی، عاطفی و معنوی را در فرد و اجتماعات استحکام داده و پایگاه محکمی برای انسان در برابر مشکلات و محرومیت‌های زندگی ایجاد می‌کند (اسدی نوقانی و دیگران، ۱۳۸۴). اسکامن هم می‌گوید که دین پیروان خود را به فعالیت‌های مثبت فرا می‌خواند. بسیاری از جنبه‌های مذهب بر امید، خوش‌بینی، همدلی، پیوندجویی، عفو و بخشش تأکید دارند. از سوی دیگر، پرهیز از تجاوز و رفتارهای ضد اجتماعی مانند فساد، خودفروشی و دزدی، پیوسته در مذاهب سفارش شده است. هر دو جنبه مذهب، پرداختن به فعالیت‌های مثبت و دوری از فعالیت‌های منفی، باعث پدید آمدن احساس ارزش مثبت در پیروان ادیان می‌شود (اسکامن، ۲۰۰۲). در پایان با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، پیشنهاد می‌شود که والدین خود به صورت عملی و عقیدتی به اصول دینی پایبند بوده و فرزندان را نیز به پیروی از اصول دینی تشویق نمایند. والدین سعی کنند دینداری در فرزندان درونی نموده و پیامدهای حاصل از عدم پایبندی به باورهای دینی را یادآوری نمایند.

منابع

اسدی نوقایی، احمدعلی؛ امیدی، شیدا و حاجی آقاجانی، علی. (۱۳۸۴). بهداشت روان، تهران: نشر تبلیغ بشری احمدی، خدابخش. (۱۳۸۶) بررسی رابطه بین اعتقادات دینی و آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده، علوم رفتاری، سال اول، ش ۱، ص ۷-۱۶.

پاستر، مارک، عصر دوم رسانه‌ها. (۱۳۷۸). ترجمه غلامحسین صالح یار، تهران، موسسه ایران پوریانی، محمد حسین. (۱۳۸۸). فرا تحلیل مطالعه حوزه دین و ارزش‌های اجتماعی، فصلنامه علوم اسلامی، سال سوم، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۸۸

توان، بهمن؛ جهانی، فرزانه؛ سراجی، محمود و محمدیگی، ابوالفضل (۱۳۸۹) رابطه نگرش دینی و سلامت روانی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اراک در سال ۸۹، مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک، دوره ۱۳، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۹

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۰). شریعت در آینه معرفت، قم، اسراء

۸۲.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶

- حبیب زاده، رامین. (۱۳۸۴). بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس
- حیدری، محمد. (۱۳۸۲). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و رضامندی از زندگی زناشویی در خانواده‌های معلمان مرد شهرستان قم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم.
- خدایاری فرد، محمد. (۱۳۸۶). رابطه دین‌داری و خودکنترلی پایین با استعداد سوء مصرف مواد در دانشجویان، مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه شیراز.
- سالاری فر محمد. (۱۳۷۹). مقایسه نظریه خانواده درمانی مینوچین با دیدگاه اسلام درباب خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه قم
- شرفی، محمد رضا. (۱۳۸۰). جوان و بحران هویت، تهران، سروش
- صادقی گیوی، فاطمه. (۱۳۸۱). اخلاق اصالت، نشریه حوزه و دانشگاه
- طباطبائی، سیدمحمد. (۱۳۶۲). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی
- علیجانی، مریم. (۱۳۸۵). رابطه بین هویت دینی و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، مطالعات روانشناختی، دانشگاه الزهراء، دوره دوم، ش ۱-۲
- گلزاری، محمود. (۱۳۷۹). ساخت مقیاس سنجش ویژگی‌های افراد مذهبی و رابطه این خصوصیات با بهداشت روان، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی
- گنجی، محمد. (۱۳۸۳). تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان
- محمد صادق، مهدی. (۱۳۷۹). سنجش دینداری جوانان و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی
- مولانا، حمید. (۱۳۸۰). ظهور و سقوط مدرن. تهران: کتاب صبح
- میرسندسی، محمد. (۱۳۸۳). بررسی میزان و انواع دینداری دانشجویان. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس تهران
- نصری، عبدالله. (۱۳۸۷). علل گرایش به بدبینی و پوچ‌گرایی، نشریه معارف
- نوابی نژاد، شکوه. (۱۳۷۷). رفتارهای بهنجار و نابهنجار کودکان و نوجوانان و راه‌های پیشگیری و درمان ناهنجاری‌ها، چ ششم، تهران، انجمن اولیاء و مربیان
- هادیان‌فرد، حبیب. (۱۳۸۴). احساس ذهنی بهزیستی و فعالیت‌های مذهبی در گروهی از مسلمانان، فصلنامه اندیشه و رفتار، سال یازدهم، ش ۲

Koenig, H.G.; H.J. Cohen, D.G. Blazer, C. Pieper, K.G. Meador, F. Shelp, V. Goli & B. DiPasquale. (1992). Religious and Depression Among Elderly, Hospitalized Medically ill Men, American Journal of Psychiatry, 149(12), P. 1693-1700

- Diener, E.; R.E. Lucas & S. Oishi .(2002). Subjective well-being, in R.C. Snyder & S.J. Lopez (Eds.), Handbook of Positive Psychology, Oxford, Oxford University Press.
- DiDuca, D. & S. Joseph .(1999). Assessing Schizotypal Traits in 13-18 year Olds: Revising the JSS, Personality and Individual Differences, 27(4), P.673-682
- Rachline, H. (1995). "Self Control: Beyond Commitment", Behavior and Brain Sciences, 18(1), P.109-159.
- Schumann, M. (2002). "How we Become Moral", in C.R. Snyder & S.J. Lopez (Eds.), Handbook of Positive, Oxford, Oxford University Press
- Smith, M.K. (2001) "Young people, informal education and association", the informal education homepage, www.infed.org/youthwork/ypandassoc.htm.

